

چهل حدیث از امام باقر (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



بسم الله الرحمن الرحيم

1. نافرجام و خوش انجام

«فَلَزَبَ حَرِيصٌ عَلَى أَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا قَدْ نَالَهُ فَلَمَّا نَالَهُ كَانَ عَلَيْهِ وَبَالًا وَ شَقِيَ بِهِ وَ لَرُبَّ كَارِهِ لِأَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الْآخِرَةِ قَدْ نَالَهُ فَسَعِدَ بِهِ.» (1)

چه بسا حریصی بر امری از امور دنیا دست یافته و چون بدان رسیده باعث نافرجامی و بدبختی او گردیده است، و چه بسا کسی که برای امری از امور آخرت کراحت داشته و بدان رسیده، ولی به وسیله آن سعادتمند گردیده است.

2. بهترین فضیلت و برترین جهاد

«لَا فَضِيلَةَ كَالْجِهَادِ، وَ لَا جِهَادَ كُمُجَاهِدَةِ الْهَوَى.» (2)

فضیلتی چون جهاد نیست، و جهادی چون مبارزه با هوای نفس نیست.

3. استقامت بزرگ

«أَوْصِيكَ بِخَمْسٍ إِنْ ظَلِمْتَ فَلَا تَظْلِمَ وَ إِنْ خَانُوكَ فَلَا تَخُنْ وَ إِنْ كَذَّبَتْ فَلَا تَغْصِبْ وَ إِنْ مُدِحَتْ فَلَا تَفْرَحْ وَ إِنْ ذُمِمْتَ فَلَا تَجْزَعُ.» (3)

تو را به پنج چیز سفارش می کنم:

1. اگر مورد ستم واقع شدی ستم مکن،
2. اگر به تو خیانت کردند، خیانت مکن،
3. اگر تکذیب کردند، خشمگین مشو،
4. اگر مدحت کنند، شاد مشو،
5. و اگر نکوهشت کنند بیتابی مکن.

4. پذیرش سخن پاک

«خُذُوا الْكَلِمَةَ الطَّيِّبَةَ مِمَّنْ قَالَهَا وَ إِنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهَا.» (4)

سخن طیب و پاکیزه را از هر که گفت بگیرد، اگر چه او خود، بدان عمل نکند.

5. زیبایی حلم با علم

«مَا شَيْبَ شَيْءٌ بِشَيْءٍ أَحْسَنَ مِنْ حِلْمٍ بِعِلْمٍ.» (5)

چیزی با چیزی نیامیزد که بهتر از حلم با علم باشد.

6. کمال جامع انسانی

«الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ.» (6)

همه کمال در سه چیز است:

1. فهم عمیق در دین،
2. صبر بر مصیبت و ناگواری،
3. و اندازه گیری خرج زندگانی.

7. سه خصلت نیکو

«ثَلَاثَةٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَحْلُمَ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ.» (7)

سه چیز از مکارم دنیا و آخرت است:

1. گذشت کنی از کسی که به تو ستم کرده است،
2. بپیوندی به کسی که از تو بریده است،
3. و بردباری ورزی در وقتی که با تو به نادانی برخورد شود.

8. اصرار در دعا

«إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ أَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ.» (8)

خدا را بد آید که مردم در خواهش از یکدیگر اصرار ورزند، ولی اصرار را در سوال از خودش دوست دارد، همانا خداوند که یادش بزرگ است دوست دارد که از او سوال شود و آنچه نزد اوست طلب گردد.

9. فضیلت عالم بر عابد

«عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.» (9)

دانشمندی که از علمش استفاده شود، از هفتاد هزار عابد بهتر است.

10. دو خصلت عالم

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَالِمًا حَتَّى لَا يَكُونَ حَاسِدًا لِمَنْ فَوْقَهُ، وَ لَا مُحَقَّرًا لِمَنْ دُونَهُ.» (10)

هیچ بنده ای عالم نباشد تا این که به بالا دست خود حسد نبرد و زیر دست خود را خوار نشمارد.

11. سه پاداش

«مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَاةَ عَمَلِهِ وَ مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ زَيْدٌ فِي رِزْقِهِ وَ مَنْ حَسَنَ بَرْهُ بِأَهْلِ بَيْتِهِ مُدٌّ لَهُ فِي عُمْرِهِ.» (11)

هر که زبانش راست است کردارش پاک است، و هر که خوش نیت است روزی اش افزون است، و هر که با اهلش نیکی می کند به عمرش افزوده شود.

12. پرهیز از کسالت

«إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ ... مَنْ كَسِلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجِرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ.» (12)

از کسالت و تنگدلی بپرهیز که این دو کلید هر بدی باشند، هر که کسالت ورزد حقی را نپردازد، و هر که تنگدل شود بر حق شکیبنا نبود.

13. بدترین حسرت در روز قیامت

«إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.» (13)

پر حسرت ترین مردم در روز قیامت، بنده ای است که عدلی را وصف کند و خودش خلاف آن را عمل کند.

14. نتایج صله رحم صله

«صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَتُنْمِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ الْبَلَوَى وَتُيَسِّرُ الْحِسَابَ وَتُنَسِي فِي الْأَجَلِ.» (14)

صله ارحام، اعمال را پاکیزه گرداند و اموال را بیفزاید و بلا را بگرداند و حساب را آسان کند و اجل را به تاخیر اندازد.

15. نیکو گفتاری با دیگران

«قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ.» (15)

به مردم بگویید بهتر از آن چیزی که خواهید به شما بگویند.

16. هدیه الهی

«إِنَّ اللَّهَ يَتَعَهَّدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَهَّدُ الْعَائِبُ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ وَيَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ.»

(16)

همانا خداوند بنده مومنش را با بلا مورد لطف قرار دهد، چنان که سفر کرده ای برای خانواده خود هدیه بفرستد، و او را از دنیا پرهیز دهد، چنان که طبیب مریض را پرهیز دهد.

17. راستگویی و ادای امانت

«عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اِئْتَمَنَكُمْ عَلَيْهَا بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِئْتَمَنَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَّيْتُهَا إِلَيْهِ.» (17)

بر شما باد پارسایی و کوشش و راستگویی و پرداخت امانت به کسی که شمارا امین بر آن دانسته، نیک باشد یا بد. و اگر قاتل علی بن ابیطالب (علیه السلام) به من امانتی سپرد، هر آینه آن را به او بر خواهم گرداند.

18. تعریف غیبت و بهتان

«إِنَّ مِنَ الْغَيْبَةِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّ مِنَ الْبُهْتَانِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا لَيْسَ فِيهِ.» (18)

غیبت آن است که درباره برادرت چیزی را بگویی که خداوند بر او پوشیده و مستور داشته است، و بهتان آن است که عیبی را که در برادرت نیست به او ببندی.

19. دشنام گو، مبعوض خداست

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْفَاحِشَ الْمَتَفَحِّشَ.» (19)

خداوند، دشنام گوی بی آبرو را دشمن دارد.

20. نشانه های تواضع

«التَّوَاضُّعُ الرِّضَا بِالْمَجْلِسِ دُونَ شَرَفِهِ وَ اِنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ وَ اِنْ تَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَ اِنْ كُنْتَ مُحِقًّا.» (20)

تواضع و فروتنی آن است که (آدمی) به نشستن در آنجا که شانش نیست راضی باشد، و این که به هر کس رسیدی سلام کنی، و جدال را وانهی گرچه بر حق باشی.

21. پاکدامنی، بهترین عبادت

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ.» (21)
بالاترین عبادت، عفت شکم و شهوت است.

22. نشانه شیعه واقعی

«مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ.» (22)
شیعه ما نیست مگر آن که تقوای الهی داشته باشد و خدا را فرمان برد.

23. ریشه گناه، نشناختن خداست

«مَا عَرَفَ آلَهُ مَنْ عَصَاهُ.» (23)
خدا را نشناخته آن که نافرمانی اش کند.

24. عقل، بهترین مخلوق الهی

«لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ أَمَّا إِنِّي إِلَيْكَ آمُرُ وَ إِلَيْكَ أَنْهَى وَ إِلَيْكَ أَعَاقِبُ وَ إِلَيْكَ أُثِيبُ.» (24)
چون خداوند، عقل را آفرید از او بازپرسی کرد، به او گفت: پیش آی! پیش آمد گفت: بازگرد. بازگشت. فرمود: به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی را که از او به پیشم محبوبتر باشد نیافریدم. و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم همانا امر و نهی و کیفر و پاداشم متوجه توست.

25. بر اساس عقل

«إِنَّمَا يُدَاقُّ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا» (25)

خداوند در روز قیامت در حساب بندگانش، به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده است، دقت و باریک بینی می کند.

26. مزد معلم و متعلم

«إِنَّ الَّذِي يُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ عِلْمُوهُ إِخْوَانَكُمْ كَمَا عِلَّمَكُمُوهُ الْعُلَمَاءُ..» (26)

آن که از شما به دیگری علم آموزد مزد او به مقدار مزد دانشجوست و از او هم بیشتر. از دانشمندان دانش فراگیرید و آن را به برادران دینی خود بیاموزید، چنان که دانشمندان به شما آموختند.

27. گناه فتوا دهنده بی دانش

«مَنْ أَفْتَى النَّاسَ «بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى» مِنَ اللَّهِ لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لَحِقَهُ وَزْرٌ مِّنْ عَمَلٍ بِفُتْيَاهُ.» (27)

هرکه بدون علم و هدایت به مردم فتوا دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت کنند و گناه آن که به فتوایش عمل کند دامنگیرش شود.

28. عالمان دوزخی

«مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ يُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا.» (28)

هرکه علم و دانش را جوید برای آن که بر علماء ببالد یا با سفهاء بستیزد یا مردم را متوجه خود کند، باید آتش دوزخ را جای نشستن خود گیرد؛ همانا ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.

29. سرنگونان جهنمی

فی قول الله عزوجل «فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَ الْغَاوُونَ» قال: «هُمْ قَوْمٌ وَصَفُوا عَذْلًا بِأَلْسِنَتِهِمْ ثُمَّ خَالَفُوهُ إِلَى غَيْرِهِ.» (29)

درباره آیه شریفه «فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَ الْغَاوُونَ» (30)

یعنی: «اینها و گمراهان در دوزخ سرنگون گردند». فرمود: ایشان گروهی باشند که عدالت را به زبان بستانند، اما در عمل با آن مخالفت ورزند.

30. غیر خدا را تکیه گاه نگیرید

«لَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيَّةً فَلَا تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ فَإِنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ وَ قَرَابَةٍ وَ وَلِيَّةٍ وَ بَدْعَةٍ وَ شُبْهَةٍ مُنْقَطِعٌ إِلَّا مَا أَثْبَتَهُ الْقُرْآنُ.» (31)

غیر خدا را برای خود تکیه گاه و محرم راز مگیرید که در آن صورت مومن نیستید زیرا هر وسیله و پیوند و خویشی و محرم راز و هر گونه بدعت و شبهتی، نزد خدا، بریده و بی اثر است جز آنچه را که قرآن، اثبات کرده است. (و آن ایمان و عمل صالح است.)

31. نشانه های فقیه پارسا

«إِنَّ الْفَقِيهَ حَقَّ الْفَقِيهِ الرَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبُ فِي الْآخِرَةِ الْمُتَمَسِّكُ بِسُنَّةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله).» (32)

فقیه حقیقی، زاهد در دنیا، مایل به آخرت و چنگ زننده به سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است.

32. شوخی بدون فحش

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمَدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا رَفَثٍ.» (33)

خدای عزوجل آن کس را که میان جمعی شوخی و خوشمزگی کند دوست دارد، در صورتی که فحشی در میان نباشد.

33. عذاب زود رس سه خصلت

«ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يَمُوتُ صَاحِبُهُنَّ أَبَدًا حَتَّى يَرَى وَبَالَهُنَّ الْبَغْيُ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ يُبَارِزُ اللَّهُ بِهَا.» (34)

سه خصلت است که مرتکبشان نمیرد تا وبالشان را ببیند: ستمکاری و از خویشان بریدن و قسم دروغ که نبرد با خداست.

34. مطلوب خدا

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطْلَبَ مِمَّا عِنْدَهُ.» (35)

چیزی نزد خداوند عزوجل بهتر از این نیست که از او درخواست شود و از آنچه نزد اوست خواسته شود.

35. پافشاری در دعا

«وَ اللَّهُ لَا يُلِحُّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ.» (36)

به خدا سوگند هیچ بنده ای در دعا پافشاری و اصرار به درگاه خدای عزوجل نکند جز این که حاجتش را برآورد.

36. دعا کردن در سحر

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلُّ عَبْدٍ دَعَاءٍ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَ تُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ.» (37)

همانا خداوند عزوجل از میان بندگان مومنش آن بنده ای را دوست دارد که بسیار دعا کند، پس بر شما باد دعا در هنگام سحر تا طلوع آفتاب، زیرا آن ساعتی است که درهای آسمان در آن هنگام باز گردد و روزیها در آن تقسیم گردد و حاجتهای بزرگ برآورده شود.

37. دعا برای دیگران

«أَوْشَكَ دَعْوَةٍ وَ أَسْرَعُ إِجَابَةٍ دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ.» (38)

دعایی که بیشتر امید اجابت آن می رود و زودتر به اجابت می رسد، دعا برای برادر دینی است در پشت سر او.

38. چشم هایی که نمی گریند

«كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرَ ثَلَاثٍ عَيْنٍ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٍ فَاصَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٍ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ.» (39)

هر چشمی روز قیامت گریان است، جز سه چشم:

1 چشمی که در راه خدا شب را بیدار باشد،

2 چشمی که از ترس خدا گریان شود،

3 و چشمی که از محرمات الهی بسته شود.

39. حریص همچون کرم ابریشم

«مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُودَةِ الْقَرِّ، كُلَّمَا زِدَادَتْ مِنَ الْقَرِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا.» (40)

شخص حریص به دنیا، مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر ابریشم بر خود می پیچد راه بیرون شدنش

دورتر و بسته تر می گردد، تا این که از غم و اندوه بمیرد.

40. دو رویی و دوزبانی

«بُنِسَ الْعَبْدُ عَبْدًا [عَبْدٌ] يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ يُطْرِي أَخَاهُ شَاهِدًا وَ يَأْكُلُهُ غَائِبًا إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ إِنْ أُبْتُلِيَ حَذَلَهُ.» (41)

بد بنده ای است آن بنده ای که دو رو و دو زبان باشد، در حضور برادرش او را ستایش کند، و در پشت سر، او را بخورد! اگر دارا شود بر او حسد برد و اگر گرفتار شود، دست از یاری او بردارد.

پی نوشت ها:

1. تحف العقول، ص 287.
2. همان، ص 286.
3. همان، ص 284.
4. تحف العقول، ص 291.
5. همان، ص 292.
6. همان، ص 292.
7. همان، ص 293.
8. تحف العقول، ص 293.
9. همان، ص 294.
10. تحف العقول، ص 294.
11. همان، ص 295.
12. همان، ص 295.
13. همان، ص 298.
14. تحف العقول، ص 299.
15. همان، ص 300.
16. همان، ص 300.
17. تحف العقول، ص 299.
18. همان، ص 308.
19. همان، ص 296.
20. تحف العقول، ص 296.

- 21 همان، ص. 296.
- 22 همان، ص. 295.
- 23 همان، ص. 294.
- 24 اصول کافی جلد 1، ص. 10.
- 25 همان، ج 1، ص. 12.
- 26 همان، ج 1، ص. 43.
- 27 اصوف کافی ج 1، ص. 52.
- 28 همان، ج 1، ص. 59.
- 29 همان، ج 1، ص. 60.
- 30 سوره شعرا، آیه 94.
- 31 اصول کافی، ج 1، ص 76. مقایسه شود با آیه شریفه 16 سوره توبه.
- 32 همان، ج 1، ص. 89.
- 33 همان، ج 4، ص. 486.
- 34 تحف العقول، ص. 294.
- 35 اصول کافی وج 4، ص. 210.
- 36 همان، ج 4، ص. 224.
- 37 همان، ج 4، ص. 228.
- 38 اصول کافی، ج 4، ص. 269.
- 39 همان، ج 3، ص. 127.
- 40 همان، ج 4، ص. 4.
- 41 اصول کافی، ج 4، ص 43. این حدیث از امام حسن عسکری(ع) هم نقل شده است .